

نقش پیوند والدینی و عزت نفس در پیش‌بینی سبک‌های هویت دینی نوجوانان

رقیه شیرچی / دانش‌آموخته سطح سه تعلیم و تربیت اسلامی، حوزه علمیه جامعه الزهراء قم

r.shirchi1360@gmail.com

حسین رضاییان بیاندی / دانشجوی دکتری روان‌شناسی مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی *

h.rezaeiyan60@gmail.com

Javadmoslehi1@gmail.com

جواد مصلحی / دانشجوی دکتری قرآن و روان‌شناسی، جامعه المصطفی العالمیه قم

دریافت: ۱۳۹۷/۰۴/۰۳ - پذیرش: ۱۳۹۷/۰۹/۰۷

چکیده

این پژوهش، با هدف بررسی نقش پیوند والدینی و عزت نفس در پیش‌بینی سبک‌های هویت دینی نوجوانان انجام شد. طرح پژوهش، توصیفی و از نوع همبستگی بود. بدین منظور، ۳۳۸ نفر از جامعه آماری دانش‌آموزان دبیرستانی شهر قم در سال تحصیلی ۱۳۹۶-۱۳۹۵ به روش نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای انتخاب و به پرسش‌نامه‌های پیوند والدینی (PBI)، عزت نفس روزنبرگ (RSES) و هویت دینی کراسکیان (ARIQ) پاسخ دادند. در تحلیل داده‌ها، از آزمون همبستگی و تحلیل رگرسیون گام‌به‌گام استفاده شد. یافته‌ها نشان داد که بین عزت نفس و دو مؤلفه واکنش‌پذیری و گریز عاطفی پیوند والدینی با هویت دینی موفق و هویت دینی کلیشه‌ای ارتباط مثبت و معنادار و با هویت دینی منع شده، هویت دینی آشفته و هویت دینی دیررس ارتباط منفی و معناداری وجود دارد. نتایج تحلیل رگرسیون چندگانه گام‌به‌گام نشان داد که عزت نفس، واکنش‌پذیری عاطفی و جایگاه من به خوبی هویت دینی موفق را پیش‌بینی می‌کنند. مؤلفه‌های گریز عاطفی، جایگاه من و عزت نفس نیز مهم‌ترین پیش‌بینی‌کننده‌های سبک هویت دینی منع‌شده می‌باشند. همچنین، عزت نفس و گریز عاطفی به صورت منفی و معناداری، سبک هویت دینی دیررس را تبیین می‌کنند. این یافته‌ها نقش مهم پیوند والدین و فرزندان و همچنین ویژگی شخصیتی عزت نفس را در شکل‌گیری سبک هویت دینی نوجوانان نشان می‌دهد.

کلیدواژه‌ها: هویت، هویت دینی، پیوند والدینی، عزت نفس.

نوجوانی، مرحله‌ای اجتناب‌ناپذیر از تحول آدمی است که به دلیل تغییرات گسترده در جنبه‌های جسمانی، روان‌شناختی و اجتماعی همواره مورد توجه محققان و اندیشمندان بوده است (پلانتر (planter)، ۱۳۷۸، ص ۴). ایجاد یک هویت مستقل و دستیابی به یک تعریف منسجم از خود، مهم‌ترین جنبه رشد روانی - اجتماعی این دوره می‌باشد (لطف‌آبادی، ۱۳۸۰، ص ۷۲).

هویت، پاسخ به کیستی و چستی انسان (ماهرزاده، ۱۳۹۲) و شامل مجموعه‌ای از خصوصیات، مشخصات فردی و اجتماعی، احساسات و اندیشه‌ها است که فرد آنها را از طریق توانایی کنش متقابل و یافتن تصویری از خود به دست می‌آورد (احمدلو و افروغ، ۱۳۸۱).

اریکسون، نخستین روان‌شناسی بود که بر احراز هویت در دوره نوجوانی تأکید کرد (کینگ، ۲۰۰۳). او هویت را یک پیکربندی از «خود» در نظر می‌گیرد که استعدادها، همانندسازی‌ها و نقش‌ها را با هم یکپارچه می‌سازد، به‌گونه‌ای که یک همسانی و تداوم درونی در فرد به وجود آید (شوارتز (Schwartz)، ۲۰۰۱). به باور اریکسون (۱۹۵۹)، نخستین وظیفه یک نوجوان، ایجاد حس جدیدی از «هویت خود» است. نوجوان، باید بتواند زندگی گذشته و هویت دوره‌های قبلی زندگی خویش را با وضع و حال جدید خود، پیوند مناسبی دهد و به پرسش‌های مهم «جای من در هستی کجاست؟» «از زندگی خود چه می‌خواهم؟» پاسخ دهد.

همزمان با رشد هویت در دوره نوجوانی، جست‌وجوی معنوی برای دستیابی به معنی زندگی آغاز می‌شود (لطف‌آبادی، ۱۳۸۹، ص ۱۴۸)، ارزش‌ها و مفاهیم ارزشی متحول می‌شوند و اعتقادات فرد شکل می‌گیرد. در واقع، دستیابی به فلسفه زندگی یا اصول متعلق به یک مکتب، یک تکلیف مهم مربوط به دوران رشد نوجوانی است که از طریق آن، تصمیمات مهم زندگی اتخاذ می‌شود. اریکسون، مذهب را در چارچوب نظریه خود می‌پذیرد و رسیدن به شناخت فلسفی از زندگی، تعهد مکتبی و هویت دینی را مهم‌ترین جنبه شکل‌گیری هویت می‌داند؛ چرا که تعهد مکتبی چارچوبی را برای نوجوانان فراهم می‌سازد تا از طریق آن، جنبه‌های متفاوت هویت با هم منسجم شوند (به نقل از: غضنفری، ۱۳۸۷). از نظر وی، مذهب قدیمی‌ترین و دیرپاترین نهادی است که پابندی، تعهد و وفاداری به ایدئولوژی را تشویق می‌کند. بر اساس آن، بحران شکل‌گیری هویت به طور موفقیت‌آمیزی حل می‌شود. به عبارت دیگر، باورهای مذهبی، ارزش‌ها و اخلاقیات مذهبی، نوجوانان را قادر می‌سازد تا جهان و جایگاه خود را در آن درک کنند و به رخدادهای و تجربیات معنا و مفهوم دهند (کینگ، ۲۰۰۳). بنابراین و با وجود رشد رو به افزایش فرایندهای توسعه و تکنولوژی، مذهب همچنان در همه ابعاد خود، به‌عنوان منبعی مهم برای هویت و معنابخشی زندگی به‌شمار می‌رود (نادری و همکاران، ۱۳۹۴).

مارسیا (۲۰۰۲)، دین را به‌عنوان یک حوزه مهم و یک عامل فرهنگی زمینه‌ای، در کاهش بحران هویت معرفی می‌کند. وی بر این باور است در جوامعی که مذهب حاکم نیست، بحران‌های هویت شدیدتر است؛ چرا که مذهب

به مهم‌ترین سوالات نوجوانان و جوانان، همانند از کجا آمده‌ام؟، به کجا می‌روم؟، چه کسی هستیم؟، هدفم از زندگی چیست؟ و زندگی چه ارزشی دارد؟، پاسخ می‌دهد (کاپلان و فلام (Kaplan & Flum)، ۲۰۱۰). در کنار عنصر تعهد، عنصر جست‌وجوگری نیز در شکل‌گیری هویت نقش اساسی ایفا می‌کند. جست‌وجوگری، مرحله‌ی پیش از تعهد است که فرد گزینه‌های مختلف را جست‌وجو، آنها را مورد بررسی، سنجش و ارزیابی قرار می‌دهد. براین اساس، ماریا (۱۹۸۰) با توجه به نقش مذهب در تثبیت تعهد یا کاهش بحران و میزان طی کردن مراحل اکتشاف و تعهد، چهار سبک هویت دینی را مطرح کرد:

- هویت موفق: افراد این گروه در زمینه‌ی جهان‌بینی، اعتقادات گذشته خود را ارزیابی می‌کنند و به یک مجموعه روشن و نظم‌یافته از ارزش‌ها و هدف‌های منتخب خویش تعهد دارند. از این رهگذر، برای انجام فعالیت آماده هستند.

- هویت زودرس: در این وضعیت، فرد بدون اینکه مراحل اکتشاف و جست‌وجوگری را گذرانده باشد، نسبت به بعضی مسائل هویت، تعهد دارد. او بیشتر پیرو نظرات دیگران است و عقیده‌ای که از جانب آنها در زمینه مذهب و سیاست به او ارائه می‌شود، بدون چون و چرا می‌پذیرد.

- هویت تعلیق‌یافته: افراد در پایگاه هویت تعلیق‌یافته همواره در حال جست‌وجو و تجزیه و تحلیل عقاید و اندیشه‌های متفاوت هستند و از تعهد به طور موقت اجتناب می‌کنند. آنان به جایی می‌رسند که خود را مورد ارزیابی قرار می‌دهند.

- هویت مغشوش: در این وضعیت، افراد در مورد هویت خود نه جست‌وجویی انجام داده‌اند و نه به تعهدی دست یافته‌اند. افراد این گروه، صاحبان اندیشه نیستند، نقش‌های اجتماعی را پیوسته مورد آزمایش قرار داده، سریع تصمیم می‌گیرند و به راحتی در سیطره هر نقشی در می‌آیند. این افراد، بی‌هدف و سرگردان به نظر می‌رسند و از آگاهی‌های جدید اجتناب می‌کنند.

با توجه به اینکه امکان دارد افراد در مواجهه با بحران هویت دینی، روشی اتخاذ کنند که در هیچ یک از سبک‌های چهارگانه فوق قرار نگیرد. کراسکیان موجب‌باری و همکاران (۱۳۸۲)، وضعیت پنجمی تحت عنوان «هویت منع شده» مطرح کردند. هویت منع شده، به این معناست که ممکن است بعضی افراد در برابر هویت دینی، نه نسبت به بررسی و مطالعه آن اقدام کنند، نه به صورت کلیشه‌ای هویت دینی را برگزینند؛ و نه اینکه نسبت به این موضوع بی‌تفاوت بمانند، یا وضعیت آشفته‌ای داشته باشند؛ بلکه به دلایل مختلف نسبت به سرکوب و واپس‌راندن چالش‌های خویش در خصوص بحران هویت دینی اقدام نموده و نوعی رویکرد خصمانه در پیش بگیرند.

از دیدگاه صاحب‌نظران، عوامل متعدد فردی و محیطی همچون ویژگی‌های شخصیتی، خانواده، آموزش و پرورش، نهادهای اجتماعی - مذهبی و رسانه در شکل‌گیری هویت دینی نقش دارند (نجارپوراستادی، ۱۳۸۷). با این حال، به نظر می‌رسد خانواده اولین نهادی است که پایه‌های اولیه هویت دینی فرد در آن شکل می‌گیرد و به‌عنوان یک عامل محیطی، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است (ساداتی و همکاران، ۱۳۹۰). خانواده از طریق الگوی

تعاملی، نوع نگرش، رفتار والدین با یکدیگر و فرزندان، عامل مهمی در رشد هویت دینی نوجوان به‌شمار می‌رود (نجفی علمی، ۱۳۸۹). پژوهش‌ها در زمینه فضای خانواده و تأثیر آن بر هویت‌یابی، نشان داده‌اند که شکل‌گیری هویت دینی نوجوانان در نوع ارتباط‌های خانوادگی گسترش می‌یابد. هرچه این روابط گرم‌تر، نزدیک‌تر و حمایت عاطفی والدین بیشتر باشد، این تأثیر افزایش می‌یابد (بیت‌هالا همی (Beit - Hallahmi) و آرگیل، ۱۹۹۷). براین اساس، رفتار گرم و دلسوزانه والدین پیش‌بینی‌کننده هویت دینی در نوجوانی است (نلسون (Nelson)، ۲۰۰۹). در مقابل، فقدان نزدیکی و ارتباط، شکاف دینی بین والدین و فرزندان ایجاد می‌کند (هود و همکاران، ۲۰۰۹).

در همین راستا، پژوهش سنسو و سیگ (۲۰۱۲)، حاکی از این است که بین حمایت عاطفی والدین و آرامش روانی در خانواده با هویت موفق و هویت آشفته نوجوانان دختر و پسر رابطه معناداری وجود دارد. نتایج به‌دست‌آمده در مطالعه سفیری و غفوری (۱۳۸۶) نیز گویای این است که والدینی که ارتباط صمیمی بیشتری با فرزندان خود دارند به تناسب، فرزندان آنان نیز هویت دینی بالاتری خواهند داشت. همچنین، پژوهش‌ها نشان می‌دهد که بین مؤلفه‌های عملکرد خانواده که شامل حل مشکل، ارتباط، نقش‌ها، همراهی عاطفی، آمیزش عاطفی و کنترل است، با هویت دینی نوجوانان رابطه مستقیم و معناداری وجود دارد (شیرازی و رجایی، ۱۳۸۸). در نهایت، اینکه پژوهش حکمت‌پور و صالحی‌امیری (۱۳۹۱)، از میان عوامل پابندی دینی، عملکرد آموزش دینی و روابط صمیمی والدین بر شکل‌گیری هویت دینی، نشان داد که ارتباط صمیمی والدین، تأثیر مستقیمی بر شکل‌گیری هویت دینی نوجوانان دارد.

از جمله عوامل دیگر شخصیتی و فردی مرتبط با شکل‌گیری هویت دینی نوجوانان، عزت نفس است. از نظر روزنبرگ (۱۹۶۵)، عزت نفس عبارت است از: نگرش مثبت به خود که در آن مؤلفه‌های شناختی و عاطفی وجود دارد. عزت نفس، احساس ارزش و پذیرشی است که هر شخص نسبت به خویشتن دارد (وان وگت (Van vugt) و همکاران، ۱۹۹۷) و شامل دو بخش احساس اطمینان در برخورد با چالش‌های زندگی و احترام به خود یا حرمت نفس می‌شود (براندن (Branden)، ۱۳۸۲، ص ۵۱).

در نگاه کلی، شکل‌گیری هویت در نوجوانی با رشد فکر و احساس درباره خود، رشد شناختی، خودانگاره و عزت نفس، رابطه اجتناب‌ناپذیری وجود دارد (لطف‌آبادی، ۱۳۸۰، ص ۷۲). عزت نفس، یک عامل مهم در روند رشد روانی نوجوان به‌شمار می‌رود و در جریان رشد فکری، احساسات، تمایلات، ارزش‌ها و هدف‌های او مؤثر است (رابرت (Robert)، ۲۰۰۵). به عبارت دیگر، نوجوان پس از ارزشیابی دقیق، حل مسائل، درگیری‌های انتخاب ارزش‌ها و دستیابی به عزت نفس مناسب، به تدریج به بنیان شناختی شکل‌گیری هویتی مستقل دست می‌یابد (روثمان (Rothman)، ۱۹۸۴).

در حمایت از این دیدگاه، یافته‌های برخی پژوهش‌ها نشان می‌دهد، افرادی که دچار سردرگمی هویت هستند، عزت نفس پایین‌تری دارند و استدلال اخلاقی آنان رشد یافته نیست (آدامز و بنیون (Adams & Bennion)، ۱۹۸۹، مارسیا، ۱۹۸۰). در مقابل، نوجوانانی که به هویت موفق دست یافته‌اند، از عزت نفس بیشتری برخوردارند (بیسیک و

قوش (Basak & Ghosh)، ۲۰۰۸). پژوهش /صبری و همکاران (۱۳۸۴)، با بررسی رابطه بین متغیرهای شخصیتی همچون اضطراب، عزت نفس و جایگاه مهار، با انواع هویت‌یابی نشان داد که بین عزت نفس با هویت موفق همبستگی مثبت و معنادار، و بین عزت نفس با هویت تعلیق‌یافته و سردرگم رابطه منفی و معناداری وجود دارد. یافته‌های پژوهش حسین‌زاده و سپاه‌منصور (۱۳۹۰)، نشان داد که رابطه بین سبک هویت سردرگم /اجتنابی (مغشوش) و عزت نفس منفی بود. در نهایت، نتایج برخی پژوهش‌ها حاکی از این است که عزت نفس نوجوانان، به خوبی می‌تواند انواع هویت را پیش‌بینی کند. به طوری که عزت نفس دارای رابطه مثبت با هویت پیشرفته و رابطه منفی با هویت‌های آشفته و به تعویق افتاده است (حاجلو و همکاران، ۱۳۹۱).

مرور پیشینه مذکور، علاوه بر اینکه رابطه متغیرهای پیوند والدینی و عزت نفس را با هویت دینی به صورت کلی تأیید می‌کند، کمبود و نقص ادبیات علمی موجود را نیز در دو جهت روشن می‌سازد: نخست اینکه، پژوهش‌های انجام شده، تلقی یکسانی از مفهوم هویت دینی ارائه نکرده‌اند و در تعریف و سنجش آن، نوعی تقلیل‌گرایی و تأثیرپذیری از الگوهای غیربومی وجود دارد. دوم اینکه، بیشتر تحقیقات به رابطه صرف هویت با مجموعه‌ای از متغیرهای زمینه‌ای، محدود شده و مطالعه بومی که نقش پیوند والدینی و عزت نفس در پیش‌بینی هویت دینی نوجوانان را مورد بررسی قرار داده باشد، یافت نشد. بنابراین، هدف این پژوهش رفع کمبود و نقص ادبیات علمی موجود و پاسخ به این سؤال است که پیوند والدینی و عزت نفس به چه میزان سبک‌های هویت دینی نوجوانان را پیش‌بینی می‌کنند؟

روش پژوهش

این پژوهش، جزو تحقیقات مقطعی - توصیفی و از نوع همبستگی است. در این پژوهش، پیوند والدینی و عزت نفس به عنوان متغیر پیش‌بین و هویت دینی منع شده، دیررس، موفق، کلیشه‌ای و آشفته، به عنوان متغیر ملاک بود. جامعه آماری پژوهش، همه دانش‌آموزان دبیرستانی قم در سال تحصیلی ۱۳۹۶-۱۳۹۵ بودند که بر اساس آمار اداره کل آموزش و پرورش استان، حدود ۲۶۵۰۰ نفر بودند که بر اساس جدول مورگان و پس از حذف ۴۰ عدد پرسش‌نامه ناقص، ۳۳۸ نفر به روش نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای انتخاب و به ابزارهای پژوهش پاسخ دادند. برای گردآوری داده‌ها، از ابزارهای زیر استفاده شد:

پرسش‌نامه پیوند والدینی (PBI): این پرسش‌نامه ۵۰ سؤالی (۲۵ گویه فرم پدر و ۲۵ گویه فرم مادر) است که برای سنجش دو بُعد مراقبت و حمایت افراطی والدین از دید فرزندان توسط گوردون پارکر (Gordon Parker)، هیلاری توپلینگ (Hilary Tupling) و براون (Brown) طراحی شده و دارای چهار خرده‌مقیاس واکنش‌پذیری عاطفی، جایگاه من، گریز عاطفی و هم‌آمیختگی با دیگران می‌باشد. تأکید این ابزار بر ارتباط‌های مهم زندگی و روابط جاری نوجوانان با والدین است و از پاسخگویان می‌خواهد که برداشت خود را با استفاده از مقیاس لیکرتی (۰ تا ۳) و از بین گزینه‌های «بسیار این طور بود»، «تقریباً این طور بود»، «تقریباً این طور نبود» و

«ابدأ این طور نبود» گزارش کنند. نتایج به‌دست‌آمده از تحلیل عاملی به شیوه‌های مؤلفه‌های اصلی در ایران، از یک وضعیت محتوایی چهار عاملی حمایت کرده و روایی و اعتبار (۰/۷۹ تا ۰/۸۸) آن در حد مطلوبی گزارش شده است. مقدار آلفای کرونباخ فرم مادر (رابطه صمیمانه: ۰/۸۳، تلاش برای وابستگی: ۰/۸۸، بی‌تفاوتی: ۰/۷۹ و تشویق بر استقلال: ۰/۸۱) و برای فرم پدر (رابطه صمیمانه: ۰/۸۸، تلاش برای وابستگی: ۰/۸۶، بی‌تفاوتی: ۰/۷۹ و تشویق به استقلال: ۰/۸۰) به‌دست‌آمده است (پهزادی و همکاران، ۱۳۹۰).

پرسش‌نامه عزت نفس روزنبرگ (RSES): این پرسش‌نامه، ابزاری ساده و کوتاه است که برای اندازه‌گیری احساس پذیرش یا ارزش خود کلی نوجوانان تدوین شده است (روزنبرگ، ۱۹۷۹). این مقیاس، ۱۰ گویه دارد که هر گزاره آن شامل یک مقیاس چهار‌گزینه‌ای از «کاملاً موافقم» تا «کاملاً مخالفم» است که خواننده بر اساس مقیاس لیکرت چهار درجه‌ای (از ۱ تا ۴) به آن پاسخ می‌دهد. والی (۱۸۹۸)، در مرور خود بر هفت پژوهش انجام شده با این مقیاس دریافت که مقدار آلفای کرونباخ از ۰/۷۲ تا ۰/۸۷ به‌دست‌آمده است. همچنین، در پژوهش حسین‌زاده و سپاه‌منصور (۱۳۹۰)، ضریب پایایی مقیاس روزنبرگ با استفاده از فرمول آلفای کرونباخ، ۰/۸۱ گزارش شده است.

پرسش‌نامه هویت دینی کراسکیان (ARIQ): این پرسش‌نامه توسط کراسکیان موجباری شریفی و همکاران (۱۳۸۲) بر اساس دیدگاه ماریا و پرسش‌نامه فرایند هویت من (EIPQ) بالیستری و همکاران (۱۹۹۵) برای سنجش سبک‌های هویت دینی دانش‌آموزان دوره دبیرستان طراحی و دارای ۵۰ گویه می‌باشد. اعتبار و روایی سازه پرسش‌نامه با استفاده از تحلیل عاملی اکتشافی با روش تحلیل مؤلفه‌های اصلی و چرخش واریماس بررسی و مورد تأیید قرار گرفت. سوالات با استفاده از طیف لیکرت، از یک تا پنج نمره‌گذاری می‌شود. ترکیب این ۵ عامل روی هم ۳۱/۲۲ درصد کل واریانس متغیرها را تبیین می‌کند. این عامل‌ها که با در نظر گرفتن همسانی درونی هر مقیاس که با ضریب آلفای کرونباخ به‌دست‌آمده است، به ترتیب عبارتند از: هویت منع شده (۱۲ سؤال) با ضریب آلفای کرونباخ ۰/۸۳؛ هویت دیررس (۱۰ سؤال) با ضریب ۰/۸۲؛ هویت دینی موفق (۱۳ سؤال) با ضریب ۰/۷۴؛ هویت دینی کلیشه‌ای (۱۰ سؤال) با ضریب ۰/۷۸؛ هویت دینی آشفته (۵ سؤال) با ضریب ۰/۳۵.

یافته‌های پژوهش

نمونه مورد مطالعه، شامل ۳۳۸ نفر (۱۶۹ دختر و ۱۶۹ پسر) آزمودنی بود که میانگین سنی آنان، ۱۶/۵۰ با انحراف معیار ۰/۷۲۰ به دست آمد. از نظر تحصیلات، میانگین معدل تحصیلی شرکت‌کنندگان ۱۷/۷۴ با انحراف معیار ۱/۷۱ بود. رشته تحصیلی ۶۷ نفر (۱۹/۸ درصد) ریاضی، ۷۴ نفر (۲۱/۷ درصد) تجربی، ۱۷۶ نفر (۵۲/۱ درصد) انسانی و ۲۱ نفر (۶/۲ درصد) فنی بود. نتایج مربوط به میانگین، انحراف استاندارد و همبستگی بین متغیرهای پژوهش در جدول ۱ ارائه شده است.

نقش پیوند والدینی و عزت نفس در پیش‌بینی سبک‌های هویت دینی نوجوانان ◇ ۹۱

جدول ۱. میانگین، انحراف استاندارد و ماتریس همبستگی بین متغیرهای پژوهش

۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	
									۱	۱. هویت دینی موفق
								۱	۰/۴۸**	۲. هویت دینی منع شده
							۱	۰/۲۴**	۰/۱۹**	۳. هویت دینی کلیشه‌ای
						۱	۰/۰۰	۰/۴۷**	۰/۴۱**	۴. هویت دینی آشفته
				۱	۰/۴۰**	۰/۲۴**	۰/۶۲**	۰/۳۹**	۰/۲۹**	۵. هویت دینی دیررس
			۱	۰/۴۳**	۰/۲۵**	۰/۰۹	۰/۲۵**	۰/۲۹**	۰/۲۷**	۶. عزت نفس
		۱	۰/۳۷**	۰/۳۰**	۰/۱۹**	۰/۱۹**	۰/۲۳**	۰/۲۷**	۰/۲۷**	۷. واکنش‌پذیری عاطفی
	۱	۰/۷۷**	۰/۴۱**	۰/۴۲**	۰/۲۱**	۰/۲۳**	۰/۳۵**	۰/۲۷**	۰/۲۷**	۸. گریز عاطفی
	۱	۰/۲۹**	-۰/۱۳*	۰/۱۸**	۰/۱۸**	۰/۰۳	-۰/۰۴	۰/۱۵**	-۰/۰۳	۹. هم‌آمیختگی با دیگران
۱	۰/۲۶**	۰/۳۷**	۰/۵۰**	۰/۱۸**	۰/۰۸	-۰/۰۴	-۰/۰۵	-۰/۰۲	۰/۰۳	۱۰. جایگاه من
۷/۳۳	۹/۴۲	۱۳/۴۴	۱۳/۳۳	۲۹/۴۱	۲۱/۲۰	۱۲/۰۷	۲۷/۰۸	۲۱/۰۹	۲۷/۰۲	M
۲/۳۳	۲/۲۸	۲/۳۵	۲/۹۴	۴/۶۹	۵/۱۴	۲/۴۸	۴/۷۲	۵/۷۱	۴/۴۹	SD

* $p < 0.05$

** $p < 0.01$

جدول ۱ نشان می‌دهد، بیشترین سطح بین شرکت‌کنندگان در انواع هویت دینی، مربوط به هویت دینی موفق و در خرده‌مقیاس‌های پیوند والدینی در گریز عاطفی می‌باشد. میانگین نمره کل متغیر عزت نفس نیز ۲۹/۴۱ به‌دست‌آمده است. طبق ماتریس همبستگی بین عزت نفس، واکنش‌پذیری و گریز عاطفی با هویت دینی موفق و هویت دینی کلیشه‌ای ارتباط مثبت و معنادار و با هویت دینی منع شده، هویت دینی آشفته و هویت دینی دیررس ارتباط منفی و معناداری وجود دارد. برای تعیین سهم هر یک از خرده‌مقیاس‌های پیوند والدینی و عزت نفس در پیش‌بینی سبک هویت دینی موفق، از تحلیل رگرسیون چندگانه به روش گام‌به‌گام استفاده شد که نتایج آن در جداول زیر آمده است.

جدول ۲. نتایج تحلیل رگرسیون گام‌به‌گام مربوط به هویت دینی موفق از طریق پیوند والدینی و عزت نفس

خطای برآورد	ضریب تبیین	R^2	R	سطح معناداری	F	میانگین مجزورات	Df	مجموع مجزورات	شاخص	
									مدل	مدل
۴/۲۹۶	۰/۰۸۷	۰/۰۹۰	۰/۲۹۹	۰/۰۰۰۱	۳۳/۰۳۶	۶۰۹/۷۸۵	۱	۶۰۹/۷۸۵	رگرسیون	۱
						۱۸/۴۵۸	۳۳۶	۶۲۰۲/۰۲۶	باقیمانده	
۴/۲۳۲	۰/۱۱۴	۰/۱۱۹	۰/۳۴۵	۰/۰۰۰۱	۲۲/۶۶۴	۴۰۵/۹۱۸	۲	۸۱۱/۸۳۵	رگرسیون	۲
						۱۷/۹۱۰	۳۳۵	۵۹۹۹/۹۷۶	باقیمانده	
۴/۱۴۸	۰/۱۴۹	۰/۱۵۶	۰/۳۹۵	۰/۰۰۰۱	۲۰/۶۳۷	۳۵۵/۰۶۸	۳	۱۰۶۵/۲۰۵	رگرسیون	۳
						۱۷/۲۰۵	۳۳۴	۵۷۴۶/۶۰۶	باقیمانده	

نتایج جدول ۲ نشان می‌دهد، عزت نفس قوی‌ترین رابطه را با هویت دینی موفق دارد ($R=0.29$, $p=0.0001$, $df=1$)، این متغیر، ۹ درصد از میزان هویت دینی موفق را پیش‌بینی می‌کند. در مرحله بعد، با اضافه شدن واکنش‌پذیری عاطفی، ضریب همبستگی به ۰/۳۴ و ضریب تبیین به ۱۱ درصد ارتقا یافت. در گام سوم و با اضافه شدن جایگاه من نیز ضریب همبستگی ۰/۳۹ و ضریب تبیین ۰/۱۴ به دست آمد. این بدان معناست که عزت نفس، واکنش‌پذیری عاطفی و جایگاه من در مجموع ۱۴ درصد از واریانس هویت دینی موفق را تبیین می‌کنند.

جدول ۳. شاخص‌های آماری و ضرایب متغیرهای پیش‌بین در رگرسیون مربوط به هویت دینی موفق

متغیر	شاخص	ضریب غیراستاندارد بتا	خطای معیار	ضریب استاندارد بتا	T	سطح معناداری
مقدار ثابت		۲۸/۵۹۴	۱/۴۸۵		۱۹/۲۵۳	+۰/۰۰۰
عزت نفس		+۰/۲۸۷	+۰/۵۰	+۰/۲۹۹	۵/۷۴۸	+۰/۰۰۰
مقدار ثابت		۲۶/۷۵۴	۱/۵۶۲		۱۷/۱۲۷	+۰/۰۰۰
عزت نفس		+۰/۲۲۱	+۰/۵۳	+۰/۲۳۰	۴/۱۶۹	+۰/۰۰۰
واکنش‌پذیری عاطفی		+۰/۲۸۳	+۰/۸۴	+۰/۱۸۶	۳/۳۵۹	+۰/۰۰۱
مقدار ثابت		۲۲/۲۹۲	۱/۹۲۳		۱۱/۹۵۹	+۰/۰۰۰
عزت نفس		+۰/۲۱۹	+۰/۵۲	+۰/۲۲۹	۴/۲۳۱	+۰/۰۰۰
واکنش‌پذیری عاطفی		+۰/۴۵۵	+۰/۹۴	+۰/۲۹۸	۴/۸۳۹	+۰/۰۰۰
جایگاه من		+۰/۳۰۱	+۰/۷۸	+۰/۲۲۳	۳/۸۳۷	+۰/۰۰۰

نتایج ضرایب بتای استاندارد شده نشان می‌دهد که عزت نفس ($B=۰/۲۲۹$, $P<۰/۰۰۰۱$)، واکنش‌پذیری عاطفی ($B=۰/۲۹۸$, $P<۰/۰۰۰۱$)، و جایگاه من ($B=۰/۲۲۳$, $P<۰/۰۰۰۱$)، به صورت مثبت توانسته‌اند هویت دینی موفق را پیش‌بینی کنند. بر اساس ضریب بتا، به ازای یک واحد افزایش در عزت نفس میزان هویت دینی موفق $۰/۲۲۹$ واحد، به ازای یک واحد افزایش در واکنش‌پذیری عاطفی میزان هویت دینی موفق $۰/۲۹۸$ واحد و به ازای یک واحد افزایش در جایگاه من میزان هویت دینی موفق $۰/۲۲۳$ واحد افزایش یافت. بنابراین، با توجه به این یافته‌ها از میان سه متغیر پیش‌بین معنادار، واکنش‌پذیری عاطفی با قدرت بیشتری می‌تواند هویت دینی موفق را پیش‌بینی کند. برای تعیین سهم هر یک از خرده‌مقیاس‌های پیوند والدینی و عزت نفس در پیش‌بینی سبک هویت دینی منع شده، از تحلیل رگرسیون چندگانه به روش گام‌به‌گام استفاده شد. نتایج این بررسی در جداول زیر ارائه شده است.

جدول ۴. نتایج تحلیل رگرسیون گام‌به‌گام مربوط به هویت دینی منع شده از طریق پیوند والدینی و عزت نفس

مدل	شاخص	مجموع مجزورات		Df	میانگین مجزورات	F	سطح معناداری	R	R^2	ضریب تبیین	خطای برآورد
		مجموع	مجزورات								
۱	رگرسیون	۱۳۵۰/۳۲۷	۱	۱۳۵۰/۳۲۷	۴۶/۹۵۷	۰/۰۰۰۱	۰/۳۵۰	۰/۱۲۳	۰/۱۲۳	۰/۱۲۰	۵/۳۶۳
	باقیمانده	۹۶۶۲/۱۸۵	۳۳۶	۲۸/۷۵۷							
۲	رگرسیون	۱۶۴۷/۳۶۹	۲	۸۲۳/۶۸۴	۲۹/۴۶۴	۰/۰۰۰۱	۰/۳۸۷	۰/۱۵۰	۰/۱۵۰	۰/۱۴۵	۵/۲۸۷
	باقیمانده	۹۳۶۵/۱۴۳	۳۳۵	۲۷/۹۵۶							
۳	رگرسیون	۱۸۲۱/۷۴۸	۳	۶۰۴/۲۴۹	۲۱/۹۳۷	۰/۰۰۰۱	۰/۴۰۶	۰/۱۶۵	۰/۱۶۵	۰/۱۵۷	۵/۲۴۸
	باقیمانده	۹۱۹۹/۷۶۴	۳۳۴	۲۷/۵۴۴							

نتایج جدول ۴ نشان می‌دهد، گریز عاطفی قوی‌ترین رابطه را با هویت دینی منع شده دارد ($R=۰/۳۵$ ، $P<۰/۰۰۰۱$)، این متغیر، $(F=۴۶/۹۵۷, df=۱)$. درصد از میزان هویت دینی منع شده را پیش‌بینی می‌کند. در مرحله بعد، با اضافه شدن جایگاه من، ضریب همبستگی به $۰/۳۸$ و ضریب تبیین به ۱۴ درصد ارتقا یافت. در گام سوم و با اضافه شدن عزت نفس نیز ضریب همبستگی $۰/۴۰$ و ضریب تبیین $۰/۱۵$ به دست آمد. این بدان معنا است که گریز عاطفی، جایگاه من و عزت نفس در مجموع ۱۵ درصد از واریانس هویت دینی منع شده را تبیین می‌کنند.

نقش پیوند والدینی و عزت نفس در پیش‌بینی سبک‌های هویت دینی نوجوانان \diamond ۹۳

جدول ۵. شاخص‌های آماری و ضرایب متغیرهای پیش‌بین در رگرسیون مربوط به هویت دینی منع شده

متغیر	شاخص	ضریب غیراستاندارد بتا	خطای معیار	ضریب استاندارد بتا	T	سطح معناداری
مقدار ثابت		۲۹/۱۱۳	۱/۲۰۷		۱۹/۲۵۳	۰/۰۰۰
گریز عاطفی		-۰/۵۹۷	۰/۰۸۷	-۰/۳۵۰	۵/۷۴۸	۰/۰۰۰
مقدار ثابت		۳۲/۸۴۳	۱/۶۵۱		۱۹/۸۹۲	۰/۰۰۰
گریز عاطفی		-۰/۷۰۹	۰/۰۹۲	-۰/۴۱۶	-۷/۶۶۳	۰/۰۰۰
جایگاه من		-۰/۳۰۳	۰/۰۹۳	-۰/۱۷۷	-۳/۲۶۰	۰/۰۰۱
مقدار ثابت		۳۶/۴۷۰	۲/۲۰۸		۱۶/۵۱۴	۰/۰۰۰
گریز عاطفی		-۰/۶۱۵	۰/۰۹۹	-۰/۳۶۱	-۶/۱۸۲	۰/۰۰۰
جایگاه من		-۰/۳۱۱	۰/۰۹۲	-۰/۱۸۱	-۳/۳۵۹	۰/۰۰۱
عزت نفس		-۰/۱۶۴	۰/۰۶۷	-۰/۱۳۵	-۲/۴۵۰	۰/۰۱۵

نتایج ضرایب بتای استاندارد شده نشان می‌دهد، گریز عاطفی ($B=-۰/۳۶۱$, $P<۰/۰۰۰۱$)، جایگاه من ($B=-۰/۱۸۱$, $P<۰/۰۰۰۱$) و عزت نفس ($B=-۰/۱۳۵$, $P<۰/۰۰۱$) به صورت منفی توانسته‌اند هویت دینی منع شده را پیش‌بینی کنند. بر اساس ضریب بتا، به ازای یک واحد افزایش در گریز عاطفی میزان هویت دینی منع شده $۰/۳۶۱$ واحد، به ازای یک واحد افزایش در جایگاه من، میزان هویت دینی منع شده $۰/۱۸۱$ واحد و به ازای یک واحد افزایش در عزت نفس میزان هویت دینی منع شده $۰/۱۳۵$ واحد کاهش یافت. بنابراین، با توجه به این یافته‌ها از میان سه متغیر پیش‌بین معنادار، گریز عاطفی با قدرت بیشتری می‌تواند هویت دینی منع شده را پیش‌بینی کند. برای تعیین سهم هر یک از خرده‌مقیاس‌های پیوند والدینی و عزت نفس در پیش‌بینی هویت دینی دیررس از تحلیل رگرسیون چندگانه به روش گام‌به‌گام استفاده شد. نتایج این بررسی در جداول زیر ارائه شده است.

جدول ۶. نتایج تحلیل رگرسیون گام‌به‌گام مربوط به هویت دینی دیررس از طریق پیوند والدینی و عزت نفس

مدل	شاخص	مجموع مجزورات	Df	میانگین مجزورات	F	سطح معناداری	R	R^2	ضریب تبیین	خطای برآورد
	باقیمانده	۷۲۴۵/۴۰۱	۳۳۶	۲۱/۵۶۴						
۲	رگرسیون	۲۳۲۷/۴۲۲	۲	۱۱۶۳/۷۱۱	۵۹/۱۷۹	۰/۰۰۰۱	۰/۵۱۱	۰/۳۶۱	۰/۲۵۷	۴/۴۳۴
	باقیمانده	۶۵۸۷/۴۹۳	۳۳۵	۱۹/۶۶۴						

نتایج جدول ۶ نشان می‌دهد، عزت نفس قوی‌ترین رابطه را با هویت دینی دیررس دارد ($R=۰/۴۳۳$, $P=۰/۰۰۰۰۱$ ، $df=۱$ ، $F=۷۷/۴۲۲$). این متغیر، ۱۸ درصد از میزان هویت دینی دیررس را پیش‌بینی می‌کند. در مرحله بعد، با اضافه شدن گریز عاطفی، ضریب همبستگی به $۰/۵۱۱$ و ضریب تبیین به ۲۵ درصد ارتقا یافت. این بدان معنا است که عزت نفس و گریز عاطفی در مجموع ۲۵ درصد از واریانس هویت دینی دیررس را تبیین می‌کنند.

جدول ۷. شاخص‌های آماری و ضرایب متغیرهای پیش‌بین در رگرسیون مربوط به هویت دینی دیررس

متغیر	شاخص	ضریب غیراستاندارد بتا	خطای معیار	ضریب استاندارد بتا	T	سطح معناداری
مقدار ثابت		۳۵/۱۵۳	۱/۶۰۵		۲۱/۸۹۹	۰/۰۰۰
عزت نفس		-۰/۴۷۴	۰/۰۵۴	-۰/۴۳۳	-۸/۷۹۹	۰/۰۰۰
مقدار ثابت		۳۷/۲۸۴	۱/۵۷۷		۲۳/۶۴۹	۰/۰۰۰
عزت نفس		-۰/۳۳۷	۰/۰۵۷	-۰/۳۰۷	-۵/۹۴۳	۰/۰۰۰
گریز عاطفی		۰/۴۵۹	۰/۰۷۹	-۰/۲۹۹	-۵/۷۸۴	۰/۰۰۱

نتایج ضرایب بتای استاندارد شده نشان می‌دهد، عزت نفس ($B = -0/307$, $P < 0/001$) و گریز عاطفی ($0/299$) - $B = 0/001$, $P < 0/001$)، به صورت منفی توانسته‌اند هویت دینی دیررس را پیش‌بینی کنند. بر اساس ضریب بتا، به ازای یک واحد افزایش در عزت نفس میزان هویت دینی دیررس، $0/307$ واحد و به ازای یک واحد افزایش در گریز عاطفی میزان هویت دینی دیررس $0/299$ واحد کاهش یافت. بنابراین، با توجه به این یافته‌ها از میان دو متغیر پیش‌بین معنادار، عزت نفس با قدرت بیشتری می‌تواند هویت دینی دیررس را پیش‌بینی کند.

بحث و نتیجه‌گیری

هدف این پژوهش، بررسی نقش پیوند والدینی و عزت نفس در پیش‌بینی سبک‌های هویت دینی نوجوانان بود. یافته‌ها نشان داد بین عزت نفس، واکنش‌پذیری و گریز عاطفی با هویت دینی موفق و هویت دینی کلیشه‌ای ارتباط مثبت و معنادار و با هویت دینی منع شده، هویت دینی آشفته و هویت دینی دیررس ارتباط منفی و معناداری وجود دارد. نتایج تحلیل رگرسیون چندگانه گام‌به‌گام نشان داد که عزت نفس، واکنش‌پذیری عاطفی و جایگاه من به خوبی هویت دینی موفق را پیش‌بینی می‌کنند. گریز عاطفی، جایگاه من و عزت نفس نیز مهم‌ترین پیش‌بینی‌کننده‌های سبک هویت دینی منع شده می‌باشند. همچنین، عزت نفس و گریز عاطفی به صورت منفی و معناداری، سبک هویت دینی دیررس را تبیین می‌کنند. این یافته‌ها با نتیجه مطالعات متعدد از جمله شولتر و بلوستین (۱۹۹۴)، هارتر (۱۹۹۹)، زیمرمن و بکراستون (۲۰۰۲)، برزونسکی (۲۰۰۴)، سنلو و سینگ (۲۰۱۲)، سفیری و غفوری (۱۳۸۶)، شیرازی و رجایی (۱۳۸۸)، حکمت‌پور و صالحی‌امیری (۱۳۹۱)، امیری و همکاران (۱۳۸۴)، حاجلو و همکاران (۱۳۹۱)، فیلیپس و پیتمن (۲۰۰۷) و بیسیک و قوش (۲۰۰۸) همسو و هماهنگ می‌باشند.

در تبیین نقش مؤلفه‌های پیوند والدینی در پیش‌بینی سبک‌های هویت دینی نوجوانان، می‌توان گفت: ارتباط توأم با محبت و صمیمانه والدین با فرزندان نوجوان، پایگاه امنی ایجاد می‌کند که موجب می‌شود نوجوان با اتکاء به این پایگاه امن، از جسارت بیشتری برای کسب اطلاعات مرتبط با شکل‌گیری هویت دینی، برخوردار شود. از سوی دیگر، به دلیل پیوند عاطفی با والدین، به هنجارها و قواعد آنها و مراجع قدرت از جمله دین متعهد گردد. این گروه از نوجوانان از دریافت اطلاعات اجتناب نمی‌کنند و قادر به تصمیم‌گیری در امور مهم زندگی خود نیز می‌باشند. به عبارت دیگر، نوجوان از طریق تعامل و درگیری عاطفی با اطرافیان و بخصوص والدین خود به توسعه هویت می‌پردازد و ارائه نظام ارزشی مثبت، متأثر از آموزه‌ها و مناسک دینی و مناسب با ویژگی‌های روان‌شناختی می‌تواند این فرایند را به سوی یک هویت‌یابی دینی مطلوب سوق دهد.

براین اساس، نوجوانانی که در خانواده‌هایی زندگی می‌کنند که والدین، آنها را به فراموشی سپرده و از خود طرد کرده‌اند و شرایط برای زندگی آرام آنان فراهم نیست، در برخورد با مسائل مختلف زندگی و شناخت استعدادها و اهداف خویش، با مشکل روبرو شده و به اصطلاح در حالت پراکندگی هویت به سر می‌برد. در مقابل، چنانچه برای یک

نوجوان در خانواده، آزادی عمل و بیان عقیده فراهم باشد و بتواند به طور منطقی مسائل را با والدین خویش مطرح و در تصمیم‌گیری‌ها به‌عنوان مشاور عمل کند، فرد به خودباوری رسیده و ارزش و اهمیت خویش را به‌عنوان فردی مؤثر در اجتماع می‌یابد. این امر موجب شکل‌گیری هویت موفق می‌گردد. نوجوانانی که دچار توقف هویت هستند، معمولاً وابستگی زیادی به والدین خود دارند، اما از فرصت‌های لازم برای کسب استقلال و جداسدن سالم از خانواده برخوردار نیستند (پاپینی (Papini)، ۱۹۹۴). این افراد بحرانی را تجربه نکرده‌اند و به ایدئولوژی معینی متعهد هستند که حاصل جست‌وجوگری آنان نیست، بلکه به صورت آماده و غالباً از سوی والدین ارائه شده است (سلا (Cella) و همکاران، ۱۹۸۷). این دسته از نوجوانان نمی‌توانند بین اهداف خود و اهداف والدینشان تفاوتی قائل شوند. رابطه عاطفی و تبعیت آنان از خانواده به اندازه‌ای است که به اسارت نزدیک‌تر است تا به پیوند دوستانه والدینی. نوجوانان دارای هویت ناموفق یا شکست نیز غالباً در خانواده‌هایی رشد می‌کنند که بی‌قید هستند. مقررات خاصی در خانواده وجود ندارد و هر یک از اعضای خانواده برای خود زندگی و برنامه‌ریزی مجزایی دارد. در این نوع خانواده‌ها اعضا کمتر بر کار یکدیگر نظارت می‌کنند و رفتار آنان ممکن است تحت عوامل خارجی به راحتی تغییر کند (هاشمی و رضوی، ۱۳۸۷).

از منظر تعالیم روح‌بخش اسلام، از والدین به‌عنوان اصلی‌ترین عامل بر هویت معنوی فرزندان (علم‌الهدی، ۱۹۹۸، ج ۲، ص ۸۲)، از فرزند به‌عنوان هدیه و امانت الهی (ابن‌شعبه‌حرانی، ۱۴۰۴ق، ص ۳۶۱) و بخشی از وجود والدین و از ارتباط عاطفی والدین با فرزند و لزوم پرورش آن با عنوان حقوق فرزندان یاد شده است (صدوق، ۱۴۱۳ق، ج ۲، ص ۶۲۲). آموزه‌های اسلامی از یک سو، والدین را از توجه افراطی و سهل‌انگاری که موجب شکل‌گیری هویتی ناسازگار و بی‌بندوبار در فرزند می‌شود (فلسفی، ۱۳۸۶، ج ۲، ص ۲۵۰) و از تحمیل دینداری، سرزنش کردن و سخت‌گیری (حرعاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۲۱، ص ۴۸۱) که موجب شعله‌ور شدن آتش لجبازی و دشمنی و حرص بر گناه و شکل‌گیری هویت ضددینی می‌شود (ابن‌شعبه‌حرانی، ۱۴۰۴ق، ص ۸۴) منع می‌کند. از سوی دیگر، بر مسئولیت والدین در برابر فرزندان و تقدس و ارزش معنوی آن تأکید و والدین را به محبت کردن و مورد رحمت و لطف خویش قرار دادن فرزندان توصیه می‌کند (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۶ ص ۵۰). در این دیدگاه، ایمان والدین به خداوند، نگرش به زندگی و جایگاه فرزند در مجموع جهان هستی، از مهم‌ترین رویکردهایی است که در ارتباط مؤثر والدین با فرزندان نقش‌آفرینی می‌کند. والدین بر اساس سخن پیامبر اکرم ﷺ «کسی که خود را شناخت، در واقع، خدای خود را هم شناخت» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۲، ص ۳۲) به فرزندان خود در شناخت توانایی‌ها، مسئولیت‌ها، فلسفه آفرینش، جایگاه انسان در هستی و ضعف‌ها کمک می‌کنند تا او بیابد که از کجا آمده، در کجا قرار دارد و به کجا می‌رود.

در تبیین نقش ویژگی شخصیتی عزت نفس در پیش‌بینی سبک‌های هویت دینی نوجوانان نیز می‌توان گفت: نوجوانان برای دستیابی به هویتی ثابت و روشن، به شناخت توانایی‌ها و استعدادها خود نیاز دارند تا بتوانند به‌عنوان فردی هدفمند، احساس ارزشمند بودن کرده، از عزت نفس خوبی برخوردار باشد.

براین اساس، نوجوانانی که عزت نفس آنان تا حدود زیادی وابسته به تأیید دیگران است، برای مراجع قدرت اهمیت بیش از حدی قائلند و کمتر استقلال رأی دارند، کمتر تفکر می‌کنند و افکارشان غالبی و سطحی است، دارای هویت دینی زود هنگام و زودرس می‌باشند. این افراد، هویتشان پیش از موعد تثبیت می‌شود و تأیید دیگران برای آنان اهمیت اساسی دارد. در حقیقت، نوجوان باید برای انسجام هویت خود مرحله بحرانی سازماندهی مجدد نگرش نسبت به خویش را که منجر به تغییراتی در عزت نفس می‌شود، طی کند. این مسئله بخصوص در رشد هویت دینی از اهمیت بسیاری برخوردار است و وجود الگوهای مذهبی و دینی می‌تواند نوجوان را در یافتن پاسخ به بسیاری از پرسش‌های اعتقادی، ارزش‌های معنوی و جایگاه ارزشی انسان راهنمایی کرده، به تدریج موجب رشد و تکامل یک دیدگاه فلسفی و روشن شود. در آموزه‌های اسلامی از عزت و کرامت به‌عنوان عامل احساس خود ارزشمندی (محمدی‌ری‌شهری، ۱۳۸۵، ص ۱۸۳) و دژی محکم و استوار یاد شده است که انسان را از وسوسه‌ها حفظ می‌کند و از تباهی‌ها دور نگه می‌دارد. از این رو، باید نوجوان به گونه‌ای پرورش یابد که عزت‌جو و حافظ عزت و کرامت خود و دیگران باشد. در مجموع، بر اساس یافته‌های این پژوهش و تحقیقات مشابه می‌توان گفت: علاوه بر احساس ارزشمندی و عزت نفس نوجوان، فضای سالم و مطلوب در خانواده همراه با پیوند صمیمی میان والدین و فرزندان، می‌تواند موجب زمینه‌سازی جهت شکل‌گیری هویت دینی موفق نوجوان گردد و نقش مؤثری در برانگیختن حس حقیقت‌جویی او برای کشف طبیعت و فطرت ایفا کند. در مقابل روابط مخدوش، ناسالم و وجود تعارض میان والدین و فرزندان نوجوان، مانع از انتقال ارزش‌های دینی به فرزندان شده و کارکرد هویت‌سازی آموزه‌های دینی را از بین می‌برد. از یافته‌های این پژوهش می‌توان برای افزایش آگاهی والدین نسبت به اهمیت روابط عاطفی و صمیمی با فرزندان در جهت شکل‌گیری هویت دینی بهره‌جست و مهارت‌های اساسی آنان را در زمینه برقراری ارتباط صحیح با نوجوانان در امر نهادینه کردن خودشناسی دینی و تقویت عزت نفس ارتقاء داد.

منابع

- ابن بابویه، محمد بن علی، ۱۴۱۳ق، *من لا یحضره الفقیه*، محقق: علی‌اکبر غفاری، چ دوم، قم، جامعه مدرسین.
- ابن شعبه حرانی، حسن بن علی، ۱۴۰۴ق، *تحف العقول عن آل الرسول*، چ دوم، قم، جامعه مدرسین.
- احمدلو، حبیب و عماد افروغ، ۱۳۸۱، «رابطه هویت ملی و هویت قومی در بین جوانان تبریز»، *مطالعات ملی*، سال چهارم، ش ۱۳، ص ۱۰۹-۱۴۳.
- احمدی، سیداحمد، ۱۳۷۳، *روان‌شناسی نوجوانان و جوانان*، چ چهارم، اصفهان، ترمه - مشعل.
- امیری، شعله و همکاران، ۱۳۸۴، «رابطه بین پیشایندهای شخصیتی (اضطراب، عزت نفس و جایگاه مهار) با انواع هویت‌یابی»، *دانش و پژوهش در روان‌شناسی کاربردی*، ش ۲۵، ص ۵۷-۷۴.
- براندن، ناتانیل، ۱۳۸۲، *روان‌شناسی عزت نفس*، ترجمه مهدی قراچه‌داغی، تهران، نشر نخستین.
- بهزادی، بهناز و همکاران، ۱۳۹۰، «تحلیل تأییدی بر نسخه فارسی مقیاس پیوند والدینی پارکر»، *روش‌ها و مدل‌های روان‌شناختی*، سال دوم، ش ۶ ص ۸۳-۱۰۰.
- پلانتر، الیزابت، ۱۳۷۸، *بررسی مسائل و مشکلات جوانان در دوران بلوغ*، ترجمه مهرآفاق بایوردی، تهران، نشر محمد.
- حاجلو، نادر و همکاران، ۱۳۹۱، «همبسته‌های هویت فردی در دانش‌آموزان دختر مقطع متوسطه شهرستان اردبیل»، *روان‌شناسی مدرسه*، دوره اول، ش ۲، ص ۲۱-۳۸.
- حرعاملی، محمد بن حسن، ۱۴۰۹ق، *تفصیل وسائل‌الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه*، قم، مؤسسه آل‌البیت.
- حسین‌زاده، علی‌اصغر و مؤگان سپاه‌منصور، ۱۳۹۰، «رابطه حمایت اجتماعی و عزت‌نفس با سبک‌های هویت دانش‌جویان»، *پژوهش‌های روان‌شناسی اجتماعی*، دوره اول، ش ۱، ص ۷۴-۸۸.
- حکمت‌پور، مریم و سیدرضا صالحی امیری، ۱۳۹۱، «بررسی تأثیر نقش خانواده در حفظ هویت ملی و دینی جوانان (مطالعه موردی منطقه ۱ و ۵ شهر تهران)»، *مدیریت فرهنگی*، ش ۱۸، ص ۴۹-۶۰.
- ساداتی، انسبه و همکاران، ۱۳۹۰، «بررسی هویت دین دختران جوان بر اساس سنخ‌شناسی مادران»، *کنگره بین‌المللی فرهنگ و اندیشه دینی*، ص ۲۷۸-۳۰۰.
- سفیری، خدیجه و معصومه غفوری، ۱۳۸۸، «بررسی هویت دین و ملی جوانان شهر تهران با تأکید بر خانواده»، *پژوهش جوانان، فرهنگ و جامعه*، ش ۲، ص ۱-۲۷.
- شیرازی، مهناز و علیرضا رجایی، ۱۳۸۸، «بررسی رابطه عملکرد خانواده با هویت دینی و ملی نوجوانان تسهر مشهد»، *در: همایش سلامت روان‌شناختی*، کرمانشاه، دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرمانشاه.
- علم‌الهدی، علی‌بن حسین، ۱۹۹۸، *أمالی المرتضی (غور الفوائد و درر القلائد)*، ۲ جلد، قاهره، دارالفکر العربی.
- غضنفری، احمد، ۱۳۸۷، «آشنایی با انواع هویت «من» من چگونه شکل می‌گیرد؟»، *مشاور مدرسه*، دوره سوم، ش ۴، ص ۸-۱۱.
- فلسفی، محمدتقی، ۱۳۸۶، *کودک از نظر وراثت و تربیت*، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- کلینی، محمد بن یعقوب، ۱۴۰۷ق، *الکافی*، چ چهارم، تهران، اسلامیه.
- کراسکیان مومجمباری، آدیس و همکاران، ۱۳۸۲، «تدوین و هنجاریابی پرسش‌نامه هویت دینی نوجوانان»، *مؤسسه پژوهشی حوزه و دانشگاه*، ص ۱۱۴-۱۱۶.
- لطف‌آبادی، حسین، ۱۳۸۰، *عواطف و هویت نوجوانان و جوانان*، تهران، نسل سوم.
- _____، ۱۳۸۹، *روان‌شناسی رشد ۲: نوجوانی، جوانی و بزرگسالی*، چ یازدهم، تهران، سمت.

- ماهرزاده، طیبه، ۱۳۹۲، «جهانی‌شدن و هیئت‌یابی دینی نوجوانان»، *تربیت اسلامی*، سال هشتم، ش ۱۶، ص ۱۳۹-۱۶۲.
- مجلسی، محمدباقر، ۱۴۰۳ق، *بحارالانوار*، ج دوم، بیروت، دار إحياء التراث العربی.
- محمدی‌ری‌شهری، محمد، ۱۳۸۵، *حکمت‌نامه کودک*، ترجمه عباس پسندیده، قم، دارالحدیث.
- نادری، احمد و همکاران، ۱۳۹۴، «فرا ترکیب پژوهش‌های انجام شده در حوزه هویت دینی»، *مطالعات ملی*، سال شانزدهم، ش ۳، ص ۲۷-۴۴.
- نجاپوراستادی، سعید، ۱۳۸۷، «رابطه جو عاطفی خانواده، خودپنداره، عزت‌نفس و پایگاه اقتصادی اجتماعی بر شکل‌گیری هویت جوانان»، *اندیشه و رفتار*، دوره سوم، ش ۹، ص ۵۸-۴۹.
- نجفی علمی، محمود، ۱۳۸۹، «نقش آموزش و پرورش و خانواده در شکل‌گیری هویت نوجوانان»، *بیوند*، ش ۳۷۴، ص ۲۶-۲۹.
- هاشمی، نظام و عباس رضوی، ۱۳۸۷، «بررسی و مقایسه سبک‌های هویت و عوامل مرتبط با آن در دانش‌آموزان نوجوان شاهد»، *روان‌شناسی تربیتی*، ش ۱۳، ص ۴۶-۶۹.
- Adams, g.r, & Bennion, I, 1989, The relations among identity development, self-consciousness and self-focusing during idle and late adolescence, *Developmental psychology*, n. 23, p. 292-297.
- Basak, R, & Ghosh, A, 2008, Ego- Identity Status and Its Relationship with Self-Esteem in AGroup of Late Adolescents, *Journal of the Indian Academy of Applied Psychology*, 34(2), p. 337-344.
- Balistreri, E, et al, 1995, Development and preliminary validation of the ego identity process questionnaire, *Journal of Adolescence*, n. 18, p. 179-192.
- Beit – Hallahmi, B, & M. Argyle, 1997, *The Psychology of Religion Behaviour*, Belief and Experience, London, Routlege.
- Berzonsky, M. D, 2004, Ego identity: A personal standpoint in a postmodern world, Identity: An International, *Journal of Theory and Research*, 5(2), p. 125-136.
- Cella, D. F, et al, 1987, Egi identity status, identification and decision making style in late adolescence, *Adolescence*, n. 22, p. 849-861.
- Erikson, E, 1959, *Identity and the life cycle*, New York, Norton Company, First Published.
- Harter, S, 1999, The construction of the self: development perspective, New York, Call ford press, *Educational Research Review*, v. 5, p. 50-67.
- Hood, R. W, et al, 2009, *The Psychology of Religion: An Empirical Approach*, New York, Guilford Press.
- Kaplan, A, & Flum, H, 2010, Achievement goal orientations and identity formation styles, *Educational Research Review*, v. 5, p. 50-67.
- King, P.E, 2003, "Religion and Identity: The Role of Ideological, Social, and Spiritual Contexts", *Applied Developmental Science*, v. 7, n. 3, p. 197-204.
- Marcia, J.E, 1980, *Identity in adolescence*, In J Adelson (Ed). Handbook of adolescence psychology, New York, Wiley.
- Marcia, James. E, 2002, Identity and psychosocial development in adulthood, Identity: An international, *Journal of theory and research*, v. 2(1), p. 7-28.
- Nelson, J. M, 2009, *Psychology Religion and Spirituality*, New York, Springer.
- Papini, D. R, 1994, *family interaction*. In S. L Archer (ED.), Intervention for adolescents identity development (pp. 47-61).
- Phillips, T. M, & pittan, J.F, 2007, Adolescents Psychological well-being by Identity style, *Journal of Adolescents*, n. 30, p. 1021-1034.

- Robert, W, 2005, Stretching / Toning, aerobic exercise increase older adults self – esteem, *J Behav med*, 28 (4), p. 385–394.
- Rosenberg, M, 1965, Society and adolescent self-image, Newjersey, Princeton University Press.
- Rothman, K. M, 1984, Multivariate analysis of the relationship of personal concerns to adolescents ego identity status, *Adolescence*, n. 19, p. 713–727.
- Sandhu, Damanjit & Singh Bikramjeet, 2012, Adolescent Identity Formation, Psychological Well-being, and Parental Attitudes, *Pakistan Journal of Psychological Research, Punjabi University*, v. 27, n. 1, p. 89–105.
- Shulthes, D, P, & Blustein, D. I, 1994, Contributions family relationship factors to The identity formation process, *Journal of counseling and Development*, 73, 2, p. 159-166.
- Schwartz, S. J, 2001, He evolution of Eriksonian and neo- Eriksonian Identity theory and Research: A review and integration, *Identity: An International Journal of Theory and Research*, 1, p. 7–58.
- Van vugt, et al, 1997, Being better Than some not better than average: Self – enhancing comparisons in aerobics, *Br J sic pesychd*, 37 (2), p. 185–201.
- Zimmerman, P, & Becker-Stoll, F, 2002, Stability of attachment representation during adolescence: The influence of ego- identity status, *Journal of Adolescence*, n. 25, p. 107-127.

